



مبانی تحول در ساختار نظام اسلامی از منظر پیامبر اکرم(ص)

آیت الله کعبی در این یادداشت به دنبال تبیین مبانی بنیادین تحول در ساختار نظام اسلامی است. وی معتقد است که برای تحول یا تولید در ساختار باید به بازخوانی اهداف، وظایف و مأموریت‌های نظام اسلامی بپردازیم.

آیت الله کعبی در این یادداشت به دنبال تبیین مبانی بنیادین تحول در ساختار نظام اسلامی است. وی معتقد است که برای تحول یا تولید در ساختار باید به بازخوانی اهداف، وظایف و مأموریت‌های نظام اسلامی بپردازیم. به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از پایه‌های بنیادین تحول در ساختار نظام اسلامی، نگاه به اهداف، وظایف و مأموریت‌های نظام اسلامی است. نقطه آغاز در تحول ساختاری، بازخوانی اهداف، وظایف و مأموریت‌های نظام مقدس اسلامی است. این اهداف، وظایف و مأموریت‌ها، اموری است که باید از کتاب و سنت استنباط شود. سپس، در تحول در ساختار یا تولید ساختار، باید در جست‌وجوی ساختاری باشیم که راه را برای تحقق اهداف، وظایف و مأموریت‌ها هموار کند. این یک اصل پایه‌ای و بنیادی است.

بر این پایه می‌خواهیم بررسی کنیم که اهداف نظام اسلامی چیست و این اهداف را باید از کجا استنباط کنیم؟ مبانی کدام است؟ مأموریت‌ها کدام است؟ اصل دوم و سوم قانون اساسی، به این اهداف، وظایف و مأموریت‌ها اشاره‌ای دارد. البته باید شرح مبسوط و مفصل آن را در مباحث دیگر پی‌جویی کنیم. برای استنباط این مسئله از منابع روایی، به مطلبی که در فرمایشات رسول گرامی اسلام‌صلی الله علیه و آله خطاب به «معاذ بن جبل» وجود دارد اشاره می‌کنیم.

هنگامی که معاذ بن جبل مأمور شد که در یمن حکومت تشکیل دهد، آن حضرت وصیتی فرمودند که این وصیت، به مثابه منشوری است که یک مدل از اهداف و وظایف حکومت را برای ما بیان می‌کند و به نظر می‌آید که این سخنان رسول گرامی اسلام، سخنان ماندگاری است که برای ساختارسازی و نظام‌سازی می‌توانیم از آن استفاده کنیم. ما باید ساختاری طراحی کنیم که این اهداف را محقق کند. خصوصاً با توجه به آخرین جملات فرمایشات‌شان که می‌فرمایند:

«ای معاذ! اگر من احتمال می‌دادم که همدیگر را باز ببینیم، این قدر طول نمی‌دادم، اما تشخیصم این است که تا روز قیامت همدیگر را نخواهیم دید و چون چنین است، بهترین شما کسی است که با همان وضعیتی که در زمان ما بوده و عمل کرده است، همان‌گونه در روز قیامت ما را ملاقات کند (یعنی به این وصیت عمل کند)...»

بعد به عنوان حاکم، حضرت حداقل دوازده فراز بیان می‌کنند:

۱- «یا معاذ! علمهم کتاب الله» (کتاب خدا را به ایشان بیاموز): اولین وظیفه حکومت و نظام اسلامی، آموزش فراگیر کتاب وحی الهی و تلاش برای تحقق به‌کارگیری مفاهیم قرآن در زندگی است. ساختار حکومت باید به گونه‌ای باشد که این آموزش‌ها و تربیت‌ها درون آن باشد.

۲- «و أحسن ادبهم علی الأخلاق الصالحة» (آنان را را به اخلاق نیکو پرورش ده): شکل‌گیری جامعه اخلاقی، ادب و فضیلت و بالابردن سطح اخلاق جامعه نیز جزء وظایف حکومت است.

۳- «و أنزل الناس منازلهم خیرهم و شرهم» (خوب و بدشان را در مقام‌های خود بنشان): وظیفه سوم حکومت، ارزش‌گذاری بین انسان‌ها بر پایه جایگاه و موقعیت و شایستگی‌هایشان است؛ یعنی هرکسی در جامعه اسلامی باید به گونه‌ای باشد که بر اساس شایستگی‌اش پیشرفت کند و بر اساس کم‌کاری و کوتاهی‌هایش تاوان پس بدهد.

۴- «و أنفذ فیهم أمر الله و لا تحاش فی أمره و لا مالیه أحد» (فرمان خدا را در میان آنان اجرا کن و در (اجرای) فرمان خدا و (دریافت) مال خدا از هیچ‌کس پروا مکن؛ زیرا تو را اختیاری نباشد و آن مال از آن تو نیست): وظیفه چهارم، اجرای قوانین و مقررات اسلامی است؛ ساختار باید به گونه‌ای باشد که خروجی آن، حاکمیت قانون الهی باشد؛ یعنی از لحاظ ساختاری نتوانند خلاف مقررات الهی تصمیم بگیرند و اعمال قدرت و سوء استفاده از قدرت کنند.

۵- «و اذِ إلیهم الأمانة فی کلّ قلیل و کثیر» (امانت را در هر کم و زیادی برگردان): نه بیت‌المال پول تو است و نه پست و مقام جایگاه تو است؛ یعنی باید آن را تحویل دهی. آدم‌ها می‌آیند و می‌روند. این، یک نگاه امانت‌مدارانه به قدرت است. ساختار باید به گونه‌ای باشد که قدرت در آن امانت تلقی شود؛ هم کسب قدرت و هم جابه‌جایی قدرت باید بر پایه امانت باشد، نه استبداد.

۶- «و علیک بالرفق و العفو فی غیر ترک للحق یقول الجاهل قد ترکت من حق الله و اعتذر إلی أهل عملک من کل أمر خشیت أن یقع إلیک منه عیب حتی یعذروک» (و تو را واجب است که نرمش و گذشت کنی جز در مورد حق [که اگر گذشت کنی] نادان می‌گوید حق خدا را رها کردی. از کاری که بیم داری عیبی به تو می‌رسد از کارگزاران خویش پوزش خواه تا تو را معذور دارند). ساختار باید به گونه‌ای باشد که رفق و مدارا و سطح رضایت‌مندی مردم را بالا ببرد؛ یعنی طوری باشد که مردم در آن احساس راحتی کنند، نه احساس نظم تحمیلی. مردم باید به سمت نظم مشتاقانه، نظم ارادت‌مندانه و نظم داوطلبانه سوق داده شوند.

۷- «و أمت أمر الجاهلیه إلا ما سنه الإسلام» (کارهای دوران جاهلی را، جز آنچه اسلام روا شمرده است، نابود ساز). امانت امر جاهلیت در همه شئون. زنگارهای نظام پوسیده طاغوتی باید صد درصد گسسته شود. نباید درون نظام اسلامی هنوز

زنجیره‌های ساختار گذشته وجود داشته باشد. رسول‌الله صلی الله علیه و آله سلم به معاذ بن جبل می‌فرمایند که مبدا به مسائل جاهلیت برگردید. نظام نباید نظام التقاطی شود.

۸- «و أظهر أمر الإسلام كله صغيره و كبيره» (تمام دستورات اسلام را، خرد و کلان، آشکار ساز): اظهار، ابراز و احیای همه احکام اسلام در همه شئون. باید دین در همه شئون حاکمیت تجلی و ظهور و بروز داشته باشد و قانون و حاکمیت قانون، آن هم قانون اسلام، در همه ارکان و مؤلفه‌های حکومت وجود داشته باشد.

۹- «و لیکن اکثر همک الصلاه فإنها رأس الإسلام بعد الإقرار بالدين» (و بیشتر همّت خود را بر نماز بگمار که پس از اعتراف به دین، اساس اسلام است): نماز چه جایگاهی در ساختار حکومت دارد؟ نماز جزء وظایف حکومت است: «الذين إن مكثاهم في الأرض أقاموا الصلاه» [۱]. بنابراین، نماز هم یک امر حکومتی است؛ نه به این معنا که صرفاً بخش‌نامه‌ای و قانونی باشد؛ بلکه حکومت باید به گونه‌ای باشد که نماز را تبدیل به یک رویه عمومی کند که همه افراد، در سطوح مختلف نماز بخوانند و آن را پاس بدارند. این امر، شامل اهتمام به نمازهای جماعت، نمازهای جمعه و اهتمام به شأن مسجد و جایگاه مسجد خواهد بود.

۱۰- «و ذكر الناس بالله و اليوم الآخر» (و مردم را به خدا و روز قیامت یادآوری کن): یکی از راه‌های اصلاح جامعه، که جزء وظایف اسلامی است، موعظه، ارشاد، آموزش، تبلیغ و سخن‌گفتن با مردم است که در نظام ما تحت عنوان «تبلیغات سیاسی» مطرح است. اما این نوع تبلیغات، تبلیغات اسلامی بر مبنای تقویت ایمان و آخرت‌گرایی است که باید از طریق ساختار تبلیغ روحانیت و جایگاه روحانیت در ساختار حکومت اسلامی، موعظه، ارشاد، منبر، تبلیغات، آموزش حکمت و معرفت و ارتقای سطح عقلانی جامعه در ارتباط با آخرت، نصب‌العین مردم قرار گیرد. این هم یک امر شخصی نیست و جزء وظایف حکومت است.

۱۱- «و اتبع الموعظه فإنه أقوى لهم على العمل بما يحب الله ثم بث فيهم المعلمين» (و پند و اندرز را دنبال کن که آنان را بر کرداری که خداوند دوست می‌دارد نیرو بخشد و سپس آموزگاران را در میان آنان پخش کن): ضروری است که به مقتضای موعظه عمل بشود و در این ساختار، باید معلمان را به امر آموزش اهتمام دهیم؛ به این صورت که هر کس که از حق هدایت برخوردار است باید دین را بشناسد و به آن عمل کند.

۱۲- «و اعبد الله الذي إليه ترجع و لا تخف في الله لومه لائم» (و خدایی را که بدو باز می‌گرددی بپرست و در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری باک مدار): توجه به قاطعیت نشان‌دادن نسبت به اجرای دین و این‌که در اجرای دین تساهل صورت نگیرد.

ما از دل این منشور حکومتی، وظایف حکومت را در می‌آوریم که متناسب با وظایف حکومت، باید طراحی ساختار کرد و باید همیشه از خودمان سؤال کنیم که چه نسبتی بین ساختار با وظایف، اهداف و مأموریت‌ها است و جایگاه این اهداف و وظایف کجا است؟

پی نوشت:

[۱]. همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند.